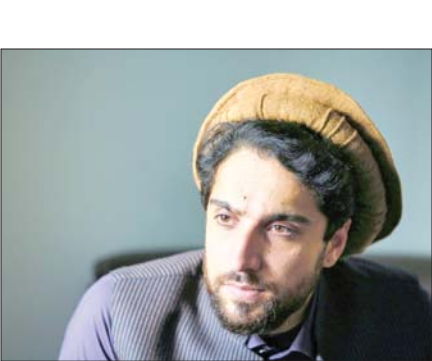


«شرق» تهدید امارت اسلامی افغانستان را با نگاه به زوایای فقدان موازنه دیپلماتیک بررسی می کند

از اشتباهات راهبردی تا وقاحت طالبانی

یک توییت پرسروصدا از فرزند شهید مسعود که محور انتقاد به رفتار برخی از فعالان سیاسی کشور شد: «نگفتمت مرو آنجا که آشنات منم»



چالشی که در صورت نبود مدیریت صحیح می‌تواند به بحران امنیتی کشیده شود؛ چون به نظر نمی‌رسد مجموعه این درگیری‌ها صرفاً در قالب موضوعات مرزی، ناآشنایی عناصر طالبان به مقوله مرزبانی یا حتی تنش اخیر بر سر حقلابه هیرمند صورت گرفته باشد. در این‌بین نحوه اطلاع‌رسانی در داخل کشور و ایهام‌ها در این زمینه جای آسیب‌شناسی جدی دارد؛ چراکه می‌تواند به دایره ناامنی روانی در جامعه بیفزاید. در این راستا وجود یک روایت رسمی در این قبیل موضوعات از آن دست انتظاراتی است که برخی محافل رسانه‌ای به‌تازگی به آن اشاره داشته‌اند. اگرچه روایت رسمی و دست اول از جانب وزارت کشور، وزارت امور خارجه، فراجا یا هر نهاد و ارگانی ضرورت دارد، در عین حال نباید مخل جریان گردش آزاد اطلاعات و پرداختن رسانه‌های مختلف به این موضوعات باشد. رسانه‌ها بنا بر وظیفه روشنگری خود حق ورود و بررسی این اخبار و اطلاعات را دارند، منوط به اینکه براساس منافع و امنیت ملی یا موضوع برخورد کنند تا از سلختنگی روایت‌ها جلوگیری شود. نمی‌توان به بهانه روایت رسمی روایت‌گری رسانه‌ها شکل نکیرد. دوری رسانه‌ها، خبرگزاری‌ها، روزنامه‌ها و کانال‌های تلگرامی داخلی از برخورد هیجانی و احساسی، جلوگیری از انتشار شایعات، اخبار جعلی و پرداختن بسه موضوعات تحریک‌کننده اگرچه باید در کار حرفه‌ای هر رسانه‌ای رعایت شود؛ اما این موارد لزوماً به معنای نادیده‌گرفتن حق مسلم روزنامه‌نگاران در شرح و تحلیل مآوقع نیست و نخواهد بود. در این مورد مشخص باید دور جدید درگیری‌های مرزی ایران و افغانستان از زمان بازگشت طالبان به قدرت تبیین شود تا ارزیابی درستی از شرایط حکومت طالبان و احساسی، جلوگیری از انتشار شایعات، اخبار جعلی کارشناس در گفت‌وگو با «شرق» به یک مرز باریک و شکننده بین ضرورت وجود یک روایت رسمی از جانب مقامات و فعالیت حرفه‌ای و آزاد رسانه‌ها در تبیین و تشریح اتفاقاتی مانند درگیری‌های مرزی

روز شنبه عناصر طالبان با مرزبانان جمهوری اسلامی ایران باور دارد. این تحلیلگر مسائل افغانستان بر این باور است که تعدد رسانه‌ها از کانال‌های تلگرامی و اینستاگرامی و توییتر و دیگر شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی تا خبرگزاری‌ها، روزنامه‌ها و دیگر نشریات باعث می‌شود یک دوگانگی یا چندگانگی روایت به وجود آید که نهتتها تحلیل درستی را از شرایط ایجاد نمی‌کند بلکه از زاویه دید احدی‌مقیسه‌نژاد، می‌تواند فضای روانی را هم تحت تأثیر قرار دهد. با این خوانش، تحلیلگر حوزه بین‌الملل از آزادی عمل رسانه‌ها در چارچوب یک فعالیت حرفه‌ای و مبتسی بر منافع و امنیت ملی با هدف تحلیل لایه‌های عمیق اتفاقاتی مانند درگیری مرزی روز شنبه می‌گوید.

موازنه قوا، حلقه مقفوده سیاست ایران در قبال طالبان

اتفاقا در راستای ضرورت تحلیل لایه‌های عمیق‌تر درگیری مرزی روز شنبه می‌توان از سه سطح به آن ورود کرد؛ نخستین سطح به عدم اشراف نیروها و عناصر طالبان به اصول مرزداری، توافقات بین‌المللی مرزی و مرزبانی بازمی‌گردد که هرازگاهی درگیری‌هایی را به دنبال خواهد داشت. کم‌اینکه درباره درگیری روز شنبه هم اطلاعات ضدونقیضی مطرح می‌شود که خط مشترک همه آنها نبود آموزش نیروهای مرزبان طالبان است. از یک سو اخبار و تصاویر رسیده حاکی از آن است که گویا در ابتدا مرزبانان طالبان با کشاورزان ایرانی بر سر مرز درگیری پیدا کرده‌اند، سپس مرزبانان کشورمان وارد ماجرا شده‌اند. در مقابل محمد سرگزی، نماینده زابل، در گفت‌وگویی تأکید داشته که درگیری‌های شنبه در منطقه ماکی ولسوالی کنگ ولایت نیمروز و به‌خصوص روستای ساسولنی به دلیل تحركات باند‌های مواد مخدر بوده‌است. آن‌طور‌که سرگزی روایت می‌کند، برخی از افرادی که به‌سوی ایران موارد مخدر حمل می‌کردند با مرزبانان ایرانی درگیر شده‌اند. طرف طالب نیز به حمایت از گروه‌های مواد مخدری تیراندازی کرده‌اند. البته سناریوهای دیگری مانند تردد کامیون‌های ایران در مرز و نیز ورود افراد ناشناس به خاک ایران هم از جمله عواملی بودند که برخی رسانه‌ها آن را علت درگیری روز شنبه می‌دانند. سطح دوم به برخی عوامل مؤثر دیگر مانند موضوع حقلابه ایران بازمی‌گردد که در هفته‌های اخیر دامنه تنش بین طالبان و جمهوری اسلامی ایران را افزایش داد و باعث تحریک عناصر طالبان برای درگیری با مرزبانان کشور شد. اما در سطح سوم باید به شکاف و گسل جدی ایدئولوژیک بین طالبان و جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد که به نحوی موتور محرکه تمام درگیری‌های مرزی و اختلافات سیاسی و دیپلماتیک از زمان روی‌کارآمدن این جریان (طالبان) در افغانستان با تهران بوده است. در این‌باره کارشناسان طالبان به‌عنوان امتدادی از محور مقاومت در افغانستان باعث شد که تهران نتواند یک سیاست درست، منطقی و واقع‌بینانه را در قبال تحولات افغانستان و به‌خصوص آینده این کشور با روی‌کارآمدن طالبان داشته باشد. در همین راستا محسن روحی صفت در گفت‌وگویی که با «شرق» داشت، ادعان کرد که برخی جریان‌های سیاسی با نگاه خاورمیانه‌عربی و امتداد محور مقاومت به تحولات افغانستان و حاکومت طالبان نگاه کردند که به‌شدت روی سیاست خارجی ایران هم اثرگذار بوده است. به گفته سرپرست سابق سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در مزار شریف، پیشاور، قندهار، «اگر شاهد واگذاری سفارت افغانستان به حکومت طالبان و نظایر این تصمیمات اشتباه هستیم، به

دلیل تأثیرات مستقیم این جریان‌ات است.» چراکه از دید روحی‌صفت، بخشی از بدنه تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران هم اعتقاد و تأکید دارند افغانستان و حکومت طالبان امتدادی از خاورمیانه و محور مقاومت نیست و نخواهد بود اما ظرفیت تأثیرگذاری این جریان چندان زیاد نیست. همچنان که پیرو این ارزیابی محسن روحی‌صفت، نادر احمدوند هم در ادامه گفت‌وگوی خود با «شرق» معتقد است که ذیل همین ارزیابی نادرست، متأسفانه تهران تمام تخم‌مرغ‌های خود را در سبد طالبان گذاشت. رضا احدی‌مقیسه‌نژاد هم مسو با احمدوند و روحی‌صفت، ذیل نگاهی آسیب‌شناسانه تأکید دارد که به‌جای اتخاذ راهبرد موازنه قوا، در کمال تأسف با حمایت سیاسی، دیپلماتیک و رسانه‌ای از طالبان و تطهیر چهره این جریان، عملاً ایران هیچ برگ برنده و اهرم فشاری برای مدیریت و کنترل رفتار طالبان ندارد. در سایه این تحلیل مشترک هر دو کارشناس معتقدند که باید ایران قبل‌تر با اجرای سیاست موازنه و استفاده از پتانسیل‌ها و ظرفیت جریان مقاومت پنجشیریک اهرم فشار در برابر طالبان برای خود خلق می‌کرد تا امروز به نحو احسن از آن در فشار به طالبان استفاده می‌کرد. در سایه گفته‌های این کارشناسان دیروز شاهد توییت معناداری هم بودیم که مؤید و مبین ارزیابی احمدوند و مقیسه‌نژاد است. «نگفتمت مرو آنجا که آشنات منم»؛ این مصرعی از یک شعر مولانا بود که احمد مسعود با انتشارش در توییتر خود به درگیری‌های روز شنبه طالبان با نیروهای مرزبانی ایران در نیمروز واکنش نشان داد. کنایه سیاسی – ادبی رهبر جبهه ملی مقاومت افغانستان به ارزیابی‌های غلط درباره طالبان اگرچه این روزها به تمام معنا صدقاً پیدا کرده و تقریباً بر همه مسجل شده است که برخی جریان‌ها و نیروهای سیاسی تطهیرکننده طالبان در ایران عملاً منافع و امنیت ملی را قربانی مظاهر خود کردند اما در شرایط خطیر و حساس کنونی به نظر می‌رسد دامن‌زدن به انتقادات و اختلافات داخلی و حمله به تطهیرکنندگان طالبان تنها به وقاحت بیشتر طالبان خواهد انجامید. کانال مقاومت پنجشیر هم مانند احمد مسعود با انتشار شعری بر طالبان تاخت تا روشن شود که موازنه قوا، حلقه مقفوده تدبیر در قبال طالبان است. در ادامه، پیرو راهکار عملی و عینی یک اختلاف تحلیلی بین نادر احمدوند و رضا احدی‌مقیسه‌نژاد شکل گرفت. به باور احمدوند، «ایران می‌تواند با ایجاد یک دیوار مرزی در کوتاه‌مدت مانع از تحركات ناامن‌ساز عناصر طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی در مرزهای شرقی کشور شود». اما رضا احدی‌مقیسه‌نژاد یقین دارد که «در شرایط کنونی با توجه به مسائل اقتصادی، ایران پتانسیل و توان مالی و اجرایی لازم برای ساخت چنین دیوار مرزی را در حد فاصل ۹۰۰ کیلومتر ندارد و در صورت ساخت این دیوار، نمی‌توان برای کنترل رفتار مخرب طالبان و دیگر نیروهای تروریستی و قاچاقچیان مواد مخدر به آن میدوار بود»، چراکه این کارشناس ادعان دارد که «دیوار نمی‌تواند راه‌حل باشد» کم‌اینکه از دید او و برای مثال «در دوره دونالد ترامپ هم دیوار نتوانست به حل مشکلات مرزی ایالات متحده آمریکا و مکزیک کمک کند». از سوی دیگر مقیسه‌نژاد، ساخت دیوار را یک پروسه زمان‌بر می‌داند که نزدیک به سه تا ۱۰ سال زمان نیاز دارد. مضافاً این تحلیلگر حوزه جنوب آسیا معتقد است حتی اگر این دیوار ساخته شود، عناصر طالبان، باندهای مواد مخدر و گروه‌های تروریستی با حفر کانال‌هایی از زیر دیوار عبور می‌کنند و عملاً تمام هزینه‌ها و سرمایه‌های صرف‌شده به باد خواهد رفت.

ریموند ویل

RAYMOND WEIL

GENEVE



maestro collection

SARMAN Co.

No. 1832, Dr. Shariati St., Next to Pol-E-Roomi, Tehran - Iran